

سوریه
جنگ گانگسترها
جنایتی علیه بشریت



صدای انترناسیونالیستی

Homepage: www.internationalist.tk

E-mail: internationalist.voice@gmail.com

اگر چه حمایت روسیه از رژیم جنایتکار سوریه به خاطر منافع امپریالیستی اش و تمکین بشار اسد به نابودی سلاحهای شیمیایی اش، خطر حمله نظامی آمریکا و ایادی اش را موقتا بر طرف کرده است، اما یک بربریتی در سوریه در جریان است. توحشی، جنایتی که کلام از بیان آن عاجز است. کشتار سازمانیافته، جنایت غیر قابل تصور، قتل عام وحشیانه، گرسنگی، دربدری در یک کلام جهنم واقعی و زمینی بخشی از واقعیت روز در سوریه شده است. انسانهایی هم که زنده مانده اند، محکومان مرگ تدریجی هستند. شاهدان زنده توحش سرمایه داری. چرا چنین بربریتی در سوریه شکل گرفت؟

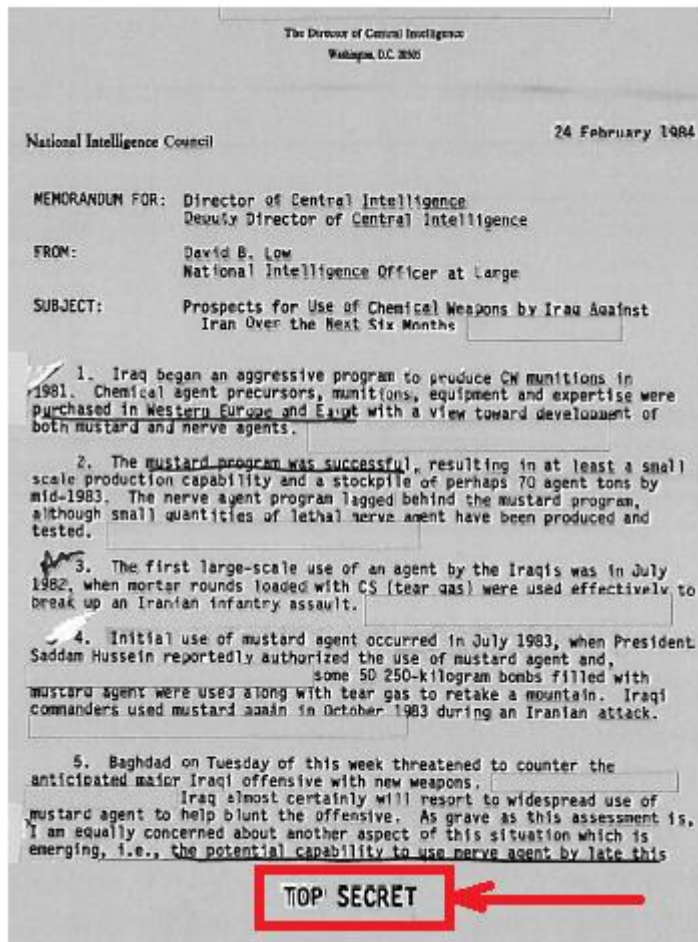
اعتراضاتی که در سالهای اخیر سراسر جهان سرمایه را در گرفته است به کشورهای عربی زبان نیز کشیده شد. این اعتراضات در بعضی کشورها مثل مصر، تونس و غیره شکل رادیکال بخود گرفت اما در بعضی کشورها مثل لیبی، سوریه و غیره بخاطر دخالت کشورهای غربی، کشورهای عربی، ترکیه، ایران و غیره نه تنها از مسیر خود خارج شد بلکه به میدان نبرد گانگسترها نیز تبدیل شد. بیش از دو سال است که سوریه به میدان جنگ گانگسترها و تصفیه حساب آنها از همدیگر تبدیل شده است. یک طرف این جنگ کثیف گانگسترهای روسیه، چین، ایران، حزب الله لبنان و غیره هستند و طرف دیگر آن آمریکا، بریتانیا، فرانسه، ترکیه، عربستان، قطر و غیره هستند. ابعاد جنایات و بربریت جنگ گانگسترها دل هر انسان آزادیخواهی را می آزارد، اما این مردم سوریه هستند که بهای این جنگ را می پردازند. بیش از صد هزار کشته، صدها هزار زخمی و میلیونها آواره محصول این جنگ است. این جنگ شیرازه جامعه را از هم پاشیده است. به اختلافات قومی، عشیره ای و مذهبی دامن زده و شرایط لازم را برای جنبش مستقل طبقه کارگر از بین برد. این جنگ اعتراضات را از مسیر مستقل طبقاتی خودش منحرف کرد و مانع از آن شد تا طبقه کارگر سوریه بعنوان گردانی از طبقه کارگر جهانی و بعنوان یک طبقه اجتماعی مهر خودش را بر حوادث بزند. لذا این جنگ، جنگی بر علیه طبقه کارگر نیز هست.

این جنگ، جنگ گانگسترها برای دریدن لاشه با اسم رمز «کمکهای بشر دوستانه» در راستای منافع کثیف امپریالیستی خود، در نظم نوین جهانی است که بعد از فروپاشی نظام دو قطبی شکل گرفته است که در آن آمریکا سعی در تثبیت هژمونی خود دارد. مسئله حفظ هژمونی آمریکا در جهان که توسط گانگسترهای رقیب اش تهدید می شود چنان علنی، آشکار و واضح شده است که حتی روزنامه های اسرائیلی بدان اعتراف می کنند. روزنامه های اسرائیلی «هارتز» [۱] و «اورشلیم پست» [۲] اخیرا طی مقالاتی اعلام کرده اند که هدف آمریکا از حمله به سوریه نه در راستای کمکهای بشر دوستانه بلکه در راستای تامین منافع ابر قدرتی خود است.

گانگسترهای غربی و متحدین آنها مثل ترکیه و عربستان امیدوار بودند که جنگ و تحریم سوریه در روند خود رژیم جنایتکار اسد را تضعیف کند و سپس ارادل و اوباش آنها متشکل در ارتش آزاد سوریه و یا دیگر «جانان مسلح اسلامی» بتوانند مثل لیبی رژیم اسد را سرنگون کنند. اما در ماههای اخیر، در این جنگ ارتجاعی توازن قوا بعلت حمایت و کمکهای بی دریغ ایران و حزب الله لبنان و همچنین روسیه به نفع رژیم سوریه چرخیده است. در چنین شرایطی بود که بمباران شیمیایی حومه دمشق قلب های رؤوف دمکراتها را به درد آورد، اعلام کردند وجدانشان تحمل قساوتهای بشار اسد را ندارد و باید توازن قوا در "جنگ داخلی" به نفع "شورشیان" بچرخد.

آمریکا ادعا می کند که دلایل و شواهد کافی دارد که نشان می دهد دولت سوریه مسئول حملات شیمیایی است و رژیم بشار اسد بخاطر حملات شیمیایی که حکم جنایت علیه بشریت را دارد، باید تنبیه شود. دولت سوریه چنین ادعائی را رد می کند و تاکید می کند، در شرایطی که به پیروزیهای نظامی دست یافته است ضرورتی برای استفاده از سلاح شیمیایی نداشته است. هم دولت روسیه و هم ایران تاکید کرده اند که هیچ مدرکی نیست که نشان دهد دولت سوریه از سلاحهای شیمیایی استفاده کرده است و مدعی شده اند که مخالفان دولت سوریه از تسلیحات شیمیایی استفاده کرده اند تا غرب را برای حمله به سوریه تحریک کنند. وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد که ایران در آذر ماه سال گذشته از طریق سفارت سوئیس به اطلاع آمریکا رسانده است که "سلاح شیمیایی از نوع گاز سارین و به صورت دست ساز" به سوریه انتقال یافته است و احتمال استفاده آن توسط شورشیان وجود دارد.

همگان بر این امر واقف هستند که بورژوازی آمریکا شرورتر و جنایتکارتر از آن است که قلب رئوف اش از بمباران شیمیایی حومه دمشق بدرد آید. آمریکا تنها جنایتکاری است که از بمب اتمی استفاده کرده است. اخیراً، چهارم شهریور ماه ۱۳۹۲ مجله آمریکائی «فارن پلیسی» اسناد طبقه



بندی شده سازمان سیا را منتشر کرده که بر اساس آن آمریکا در سال ۱۹۸۸ رژیم صدام حسین را در حمله شیمیایی اش علیه ایران کمک کرده است. [۱] آمریکا از طریق تصاویر ماهواره ای متوجه می شود که ایران در حال کسب موقعیت های استراتژیکی در جبهه های جنگ است. مقامات اطلاعاتی آمریکا محل استقرار سربازان ایرانی، تاسیسات لجستیکی ایران، جزئیاتی در باره دفاع هوایی ایران و غیره را در اختیار مقامات عراق قرار می دهند. سرهنگ بازنشسته «ریک فرانکونا» که در آن زمان وابسته نظامی آمریکا در بغداد بوده به مجله «فارن پلیسی» گفته است: "عراقی ها هرگز به ما نگفتند که قصد دارند از گاز اعصاب استفاده کنند؛ مجبور نبودند که بگویند، ما خودمان می دانستیم."

هدف آمریکا این بود که جلوی پیروزیهای احتمالی نظامی ایران را بگیرد تا رژیم صدام حسین در مذاکرات دست بالا را داشته باشد. برتری رژیم عراق در آن موقع در ر استای منافع آمریکا بود که می توانست از آن بعنوان یک حربه علیه ایران استفاده کند. در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ جانیان حاکم در

عراق شهر حلبچه در کردستان عراق را مورد حمله شیمیایی قرار دادند، هزاران انسان بی‌دفاع و بیگناه در چند دقیقه همچون حیوانات بر خاک افتادند اما وجدان دمکراتها جریحه دار نشد. اعلام نکردند قصد دارند صدام حسین را بخاطر بمباران شیمیایی حلبچه تنبیه کنند!

در سال ۲۰۰۴ آمریکا در جریان حمله به «فلوجه» در عراق از اورانیوم رقیق شده و همچنین از فسفر سفید استفاده کرد. نه تنها وجدان بورژوازی آمریکا بلکه وجدان گانگسترهای اروپائی نیز بدرد نیامد.

همگی به یاد داریم در سال ۲۰۰۳ چگونه «کالین پاول»، وزیر امور خارجه جرج دبلیو بوش، در لانه دزدان، در سازمان ملل متحد ایستاد و به جهان اعلام کرد که "شواهد انکار ناپذیری" دارد مبنی بر اینکه صدام حسین سلاح کشتار جمعی در اختیار دارد و صلح جهانی را تهدید می کند. پس از جنگ و جب به جب عراق را زیر و رو کردند اما از سلاح کشتار جمعی عراق چیزی پیدا نکردند.

کمونیستها صد سال است که اعلام کرده اند، با ورود سرمایه داری به عصر انحطاط خود، عصر انقلابات اجتماعی و جنگ های امپریالیستی شروع شده است. جنگ نه محصول سیاست خشن یک دولت غیر متعارف بلکه از نیاز ذاتی سرمایه سرچشمه می گیرد و اجتناب از جنگ در عصر امپریالیسم امکان پذیر نیست. برای شکل گیری جنگ جهانی دو شرط زیرین ضروری هستند:

- وجود دو بلوک سیاسی، اقتصادی و نظامی
- طبقه کارگر مغلوب شده در سطح جهانی

منتهی در دو دهه اخیر شرایط بالا که برای شکلگیری جنگ جهانی ضروری است مهیا نبوده است. از یک سو هر کدام از گانگسترها به فکر منافع امپریالیستی خود هستند. و از سوی دیگر اگر چه طبقه کارگر، در شرایط کنونی قادر نیست بدیل خود را برای بربریت سرمایه داری ارائه دهد، اما مغلوب نیز نشده است. لذا جنگها بسوی جنگهای منطقه ای گرایش پیدا میکنند مانند جنگ بالکان، افغانستان، عراق، لیبی و دهها جنگ منطقه ای دیگر.

از سوی دیگر جنگ سوریه یک تسویه حساب توسط گانگسترهای دمکرات با گانگسترهای اسلامی (بورژوازی ایران) نیز بوده است. سوریه متحد استراتژیک ایران بوده است. «کری» وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرده است که "حمله به رژیم اسد پیامی به ایران و حزب الله هم است". در همین راستا روسیه تهدید کرده است که در صورت حمله غرب به سوریه، موشکهای «اس ۳۰۰» خود را به «نقاط حساس» جهان خواهد فروخت.

ایران در راستای منافع امپریالیستی خود هشدار داده است که حمله به سوریه به این کشور محدود نخواهد ماند و احتمال دارد دامنه آن به دیگر کشورهای منطقه نیز کشیده شود و ولی فقیه بورژوازی اسلامی هشدار داد که "منطقه مثل انبار باروت است و هیچ آینده ای را نمی توان پیش بینی کرد".

سرلشکر محمدعلی جعفری فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران نهم شهریور ماه نیز در حاشیه جلسه شورای عالی امنیت ملی نسبت به اقدام نظامی علیه سوریه هشدار داد و اظهار داشت که واکنشها به حمله نظامی به سوریه، فراتر از مرزهای این کشور خواهد بود.

ایران تجهیزات نظامی منجمله هواپیمای بدون سرنشین و همچنین "تکنولوژی بسیج شهری" (گروه‌های سرکوب نامنظم) که تجربه سرکوب اعتراضات شهری را دارد، در اختیار سوریه قرار داده است. روزنامه های ایران اعلام کرده اند که با انتقال تجربه "بسیج شهری" رژیم سوریه به موفقیت هائی دست یافته است و موقعیت بهتری پیدا کرده است. از سوی دیگر سوریه با توجه به اینکه شبکه دفاع هوایی بسیار وسیعی دارد که ساخت روسیه است امکان برقراری منطقه پرواز ممنوع را مشکل می سازد. واقعیت انکار ناپذیر این است که بدون حمایت ایران و روسیه رژیم سوریه همچون لیبی بعد از چند ماه سقوط میکرد.

سوریه برای ایران از اهمیت حیاتی و استراتژیک برخوردار است. تنها از طریق سوریه است که امکان تقویت مالی، تسلیحاتی و لجستیکی، حزب الله لبنان، حماس فلسطین و دیگر جنبش های ارتجاعی در افریقا امکان پذیر می شود. گمانه زنی هائی در جریان است مبنی بر اینکه ایران حدود ده تا بیست میلیارد دلار کمک بلاعوض برای سر پا نگه داشتن رژیم اسد هزینه کرده است. ایران تجربه عراق را دارد و قطعاً حتی در صورت سقوط رژیم اسد برنامه ها و طرح های خاص خود را دارد و سعی خواهد کرد همچون عراق مانع نفوذ غرب شود و نفوذ خود را به اشکال دیگر ادامه دهد.

در چنین شرایطی است که حجت الاسلام مهدی طائب رئیس قرارگاه عمار و استاد حوزه و دانشگاه اظهار داشت: "سوریه استان سی و پنجم و یک استان استراتژیک برای ماست. اگر دشمن به ما هجوم کند و بخواهد سوریه یا خوزستان را بگیرد اولویت با این است که ما سوریه را نگه داریم چون اگر سوریه را نگه داریم می‌توانیم خوزستان را هم پس بگیریم اما اگر سوریه را از دست بدهیم تهران را هم نمی‌توانیم نگه داریم." [۴]

در اپوزسیون ایران، در جناح راست سرمایه مجاهدین خلق امیدوار هستند که بعد از سوریه نوبت ایران شود، تا آنها نقش «ارتش آزادیبخش» را ایفا کنند. در جناح چپ سرمایه حزب کمونیست کارگری البته با کلام به ظاهر رادیکال و تحت عنوان اینکه انقلاب سوریه با سقوط اسد نیروهای انقلابی را به جلو صحنه خواهد برد، مدافع حمله نظامی می شود. همانطوری که این جریان ضد انقلابی در جریان حمله ناتو به لیبی اظهار داشت که حمله ناتو اجازه داد تا انقلاب لیبی ادامه پیدا کند. حالا هم امیدوار هستند بعد از سوریه نوبت ایران شود تا انقلاب ایران ادامه پیدا کند. هیچ گرایش سیاسی در فضای سیاسی ایران به اندازه این جریان ضد کمونیستی ارزشمندی چون انقلاب، کمونیزم، کارگر، انترناسیونالیسم و غیره را به لجن نکشیده است. چه کسانی در سوریه انقلاب می کنند؟ نیروی مادی انقلاب سوریه کدام است؟

علیرغم جنگ افروزیهای گانگسترهای دمکرات، اکثریت مردم مخالف جنگ هستند. نشریه «فیگارو» چاپ فرانسه به تاریخ هفتم سپتامبر طی مقاله ای یادآوری کرده است که اکثریت گسترده مردم فرانسه با اقدام نظامی مخالف هستند. جنگ افروزیهای کامرون را نه پارلمان بریتانیا بلکه مردم بریتانیا سر جای خود نشاندهاند. «آنجلامرکل» نه از روی بشر دوستی بلکه از یک سو در اثر فشار افکار عمومی و از سوی دیگر بخاطر منافع امپریالیستی خود بر حل دیپلماتیک بحران سوریه تاکید می کند.

جنگ گانگسترها ریشه در گنبدیدگی نظام سرمایه داری دارد. تنها موضعی در قبال سوریه انقلابی است که نظام سرمایه داری را مسبب تمامی توحش و بربریت در سراسر گیتی ارزیابی کند. طبقه کارگر در سطح جهانی و در فقدان دخالت طبقه کارگر سوریه، وظیفه بزرگی بر دوش دارد. به جای گوشت دم توپ شدن در جنگ گانگسترها باید در راستای تحقق انقلاب کمونیستی برای پایان دادن به نکبت سرمایه داری کوشید.

فیروز اکبری

۴ مهر ۱۳۹۲

یادداشتها:

[۱] <http://www.haaretz.com/opinion/.premium-1.544300>

[۲] <http://www.jpost.com/Opinion/Columnists/Column-One-Obamas-bread-and-circuses-324714>

[۳] http://www.foreignpolicy.com/articles/2013/08/25/secret_cia_files_prove_america_helped_saddam_as_he_gassed_iran?wp_login_redirect=0

[۴] تابناک ۲۶ بهمن ۱۳۹۱